

هرمز کاربردی و مهم برای پولدار شدن



علاقه به پول و دارایی بیشتر چه برای باز کردن گره ای از زندگی باشد چه برای رسیدن به آسایش بیشتر و یا به هر دلیل دیگر که باشد از علاقه مندی های پُرمشتری در هر زمان و مکان است .

برای پاسخ به این سوال که جذابیتی به مراتب بیش از خود سِوَال دارد پاسخ های گوناگونی داده شده و می شود. هر کس که سری در بازار و کار اقتصادی دارد بعد از شنیدن این پرسش بلافاصله دست به کار شده و راهکاری ارائه می دهد؛ راهکاری که به گمان خودش برترین نسخه برای پولدار شدن است که گاه از این نسخه ها بویی از اسلام و انسانیت به مشام نمی رسد.

وقتی این پرسش را به محضر نهج البلاغه برده و پاسخ را از صاحب آن یعنی امیرالمومنین علیه السلام جویا می شویم آن حضرت پنج اصل را به ما معرفی می کند؛ اصولی که با عملی کردن آنها فرد می تواند به وضع اقتصادی برتری دست پیدا کند . این اصول عبارتند از :

۱- طلب رزق بیشتر از خداوند متعال

امیرالمومنین علیه السلام گستردگی در رزق را از خداوند متعال درخواست کرده و عرضه می دارد:

«اللَّهُمَّ أَنْشُرْ عَلَيْنَا غَيْثَكَ وَ بَرِّكْ لَكَ وَ رَزُقْكَ وَ رَحِّمْتِكَ» [۱]

خداوندا، سفره باران و برکت و رزق و رحمتت را بر ما بگستران و ما را سیراب کن به بارانی سودمند و سیراب کننده و رویاننده گیاهان، که به سبب آن برویانی آنچه را از دست رفته و زنده کنی آنچه را مرده؛ باران با منفعتی که تشنگی زمین را برطرف کند و محصولی که از آن به دست می آید فراوان باشد، بارانی که زمین های هموار را بدان سیراب کنی و وادی ها و رودخانه ها را جاری سازی و درختان را پر برگ و قیمت ها را ارزان نمایی که تو بر هر چیز توانایی.

۲- توبه و دل کردن از گناه

یکی دیگر از عوامل تاثیرگذار در افزایش رزق و روزی، توبه و دل کردن از گناه است که امیرالمومنین علیه السلام با این مقدمه که برگرفته از قرآن کریم است به آن پرداخته و می فرماید:

« إِنَّ اللَّهَ يَبْتَلِي عِبَادَهُ عِنْدَ الْأَعْمَالِ السَّيِّئَةِ بِنَقْصِ الثَّمَرَاتِ وَ حَبْسِ الْبَرَكَاتِ وَ إِغْلَاقِ خَزَائِنِ الْخَيْرَاتِ لِيَتُوبَ تَائِبٌ ... »

خداوند بندگان را به وقت اعمال بدشان به کمبود میوه ها و باز داشتن برکات و بستن در خیرات آزمایش می کند تا توبه کننده توبه کند و گناهکار دل از گناه قطع نماید و پند گیرنده پند گیرد و خودداری کننده از گناه خودداری کند.

هر چند با محاسبات دنیایی محض، انفاق یعنی بخشیدن بخشی از دارایی خود به دیگران، باعث کم شدن آن ثروت و دارایی می شود؛ اما در فرهنگ دین که هستی را محدود به محسوسات نمی داند انفاق سبب افزایش ثروت و دارایی انسان معرفی شده است

این سخن به این معناست که خداوند متعال به بندگان گنهکارش کمک می کند تا به خود آیند و با توبه به دامن پُرمهر و رحمت الهی بازگردند که البته این رحمت به مانند لطف پزشکِ معالج، خالی از درد و زحمت برای بیمار نیست. [۲]

آنگاه به نقش توبه و دل کندن از گناه در افزایش رزق و روزی اشاره کرده و می فرماید:

«قَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَہُ الْاِسْتِغْفَارَ سَبَبًا لِذُرُورِ الرَّزْقِ وَ رَحْمَةً الْخَلْقِ» [۳]

خداوند سبحان توبه را سبب فراوانی روزی و رحمت بر خلق قرار داد .

سپس امام علیه السلام این آیات را از قرآن کریم تلاوت فرمودند:

«اَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّہُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَیْكُمْ مِدْرَارًا وَ يُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ یَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ یَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» [۴]

از خداوند آمرزش بخواهید که او بسیار آمرزنده است. بعد از توبه شما، باران آسمان را فراوان بر شما ببارد و شما را به اموال و فرزندان مدد دهد و باغها و رودها برایتان برقرار سازد.



۳- انفاق

سومین عامل تاثیرگذار در افزایش رزق و روزی که در نهج البلاغه آمده است انفاق است
امیرالمومنین علیه السلام می فرماید:

«اَسْتَنْزِلُوا الرَّزْقَ بِالصَّدَقَةِ» [۵]

فرود آمدن روزی را با صدقه بخواهید.

هر چند با محاسبات دنیایی محض، انفاق یعنی بخشیدن بخشی از دارایی خود به دیگران، باعث کم شدن آن ثروت و دارایی می شود؛ اما در فرهنگ دین که هستی را محدود به محسوسات نمی داند انفاق سبب افزایش ثروت و دارایی انسان معرفی شده است .
حقیقتی که به تجربه ثابت شده است و می توان آن را در زندگی اهل انفاق و بخشش هم به راحتی مشاهده کرد.

البته اگر کسی به این سخن ایمان داشته باشد آن را می پذیرد و بی آنکه پذیرش آن را موکول به اثبات بیرونی کند؛ تلاش می کند که آن را عملی کند؛ اما اگر پذیرش آن برای کسی سخت بود یا خواست به قرار قلبی دست یابد پیشنهاد می شود یکی از این افراد اهل انفاق را پیدا کند و با او به گفتگو بنشیند و از او بپرسد آنچه روایت ادعا می کند.

۴- پرداخت زکات

امیرالمومنین علیه السلام پرداخت را یکی از عوامل اصلی رزق معرفی کرده و می فرماید:

«فَرَضَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً مِنَ الشَّرْكِ وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً عَنِ الْكِبْرِ وَالزَّكَاةَ تَسْبِيحاً لِلرِّزْقِ» [۶]

خداوند ایمان را جهت پاک شدن از شرک واجب نمود و نماز را برای منزّه شدن از کبر و زکات را موجب روزی.

این زکات هم می تواند زکات مستحب باشد که بین مردم به صدقه معروف است و هم می تواند زکات واجب باشد که این خود سه دسته است:

الف. زکاتی که به نه (۹) قلم از دارایی های انسان تعلق می گیرد. این نوع زکات به زکات مال معروف است و بحث گسترده آن در کتابهای فقهی و احکام موجود است.

ب. زکات فطر که به فطریه معروف است و همه مسلمانان بآن و احکامش آشنا هستند.

ج. بخشی از اموال دارایان امت اسلامی که باید به نادران مسلمان تقدیم شود. این بخش سوم از احکام متروک و آیاتش از آیات غریب قرآن کریم است. آیاتی مانند ۲۴-۲۵ /سوره معارج و ۱۹ /ذاریات به این مهم اشاره دارند. [۷]

خداوند ایمان را جهت پاک شدن از شرک واجب نمود و نماز را برای منزّه شدن از کبر و زکات را موجب روزی

۵- همکاری با موفقان اقتصادی

یکی دیگر از دستورات عملی های اقتصادی برای افزایش ثروت و دارایی که در نهج البلاغه آمده است همکاری و مشارکت با کسانی است که در عرصه اقتصادی موفقند.

امیرالمومنین علیه السلام می فرماید:

«شَارِكُوا الَّذِي [الَّذِينَ] قَدْ أُقْبِلَ [عَلَيْهِمْ] عَلَيْهِ الرِّزْقُ فَإِنَّهُ أَخْلَقَ لِيُغْنِيَ وَ أُجْدِرُ بِإِقْبَالِ الْحِطِّ عَلَيْهِ» [۸]

با کسی [کسانی] که رزق به او [آنها] روی کرده شریک شوید؛ چرا که این شرکت به حصول توانگری، سزاوارتر و به روی آوردن بهره، شایسته تر است.

در این کلام مهم، انگشت امام علیه السلام به سوی کسانی است که از یک سو استعداد الهی خود در عرصه اقتصاد را به کار گرفته اند و از سویی دیگر مواردی که دین رعایت آنها را در کسب دارایی لازم دانسته عملی ساخته اند؛ (مانند همین مواردی که در بالا به آنها اشاره شد) در نتیجه خداوند متعال توفیق مال بیشتر را به آنها داده است.

در عوض عده ای هم هستند که از چنین استعداد و قدرت تشخیصی کم بهره و حتی بی بهره اند؛ توصیه امام علی ع به این عده از افراد مشارکت و همکاری با آن کسانی است که توصیفشان گذشت.

در پایان این نوشتار تذکر این نکته لازم است :

آنچه بیان شد تمام سخن درباره این موضوع نبود؛ بلکه پاسخی در محدوده نهج البلاغه بود نهج البلاغه ای که تنها بخشی از سخنان امام علی علیه السلام را در خود جای داده است. بی شک اگر برای پاسخ به سوال این نوشته، تمام روایات از تمام حضرات معصومین علیهم السلام را بررسی کنیم مطالب بیشتری نصیبمان خواهد شد.

پی نوشت ها :

۱. خطبه ۱۴۳

۲. این سخن می تواند برگرفته از آیه ۹۴/اعراف باشد که می فرماید: وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَوْمِيهِ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضُرَّعُونَ؛ هیچ پیامبری را در شهری نفرستادیم مگر آنکه اهلش را [پس از تکذیب آن پیامبر] به تهیدستی و سختی و رنج و بیماری دچار کردیم، باشد که [به پیشگاه ما] فروتنی و زاری کنند؛ یعنی توبه کرده و به راه حق بازگشت نمایند.

۳. خطبه ۱۴۳

۴. نوح علیه السلام/۱۰-۱۲

۵. حکمت ۱۳۷

۶. حکمت ۲۵۲

۷. بنابر تفسیر آیت الله جوادی آملی این آیات مربوط به زکات واجب معروف نیست؛ زیرا آن حکم در مدینه نازل شد و حال آنکه این آیات مکی هستند. تفسیر ایشان از آیات همان است که به شکل خلاصه در متن به آن اشاره شد.

۸. حکمت ۲۳۰

تبیان